



آشنایی با مصححان و محققان

بهار، در گذر زمان

علی میرانvari

در آمد

در این مختصر تلاش شده است تا از منظری جدید و متفاوت به بهار نگریسته شود و چگونگی شکل گیری برخی از آثار او به ویژه تحقیقات ادبی و تاریخی اش در بستر حیات سیاسی وی مورد بررسی قرار گیرد و بدین موضوع التفات شود که تحولات اجتماعی دوران حیات بهار تا چه میزان در خلق این دسته از آثار او تأثیر داشته است.

گفتنی است که دوران زندگی بهار در مقطعی از تاریخ ایران واقع شده بود که به لحاظ کثرت تحولات اجتماعی، با دیگر مقاطع تاریخ این کشور، تمایزی کلی دارد. یک سوی این مقطع به انقلاب مشروطیت و حوادث پیش از آن می رسد و سوی دیگرش به سالهای آغازین حکومت محمدرضا شاه که در فاصله میان این دو سو (یعنی دوران حیات بهار) حوادث بی شماری مانند: استبداد صغیر، خلع سلطنت محمد علیشاه، سلطنت احمد شاه، جنگ بین الملل اول، کودتای ۱۲۹۹ رضا خان، خلع سلطنت احمد شاه، غوغای جمهوری و پایان سلسله قاجار، سلطنت رضا شاه، جنگ بین الملل دوم، خروج رضا شاه از ایران، حکومت محمدرضا شاه... رخ داده بود.

از آنجا که بهار در بستر تمامی این حوادث به شکلی فعال حضور داشت، لذا برای ورود به بحث اصلی، زندگی او را به پنج دوره تقسیم می کنیم و ملاک تقسیم بندی خود را بر پایه ماهیت سیاسی و فضای اجتماعی حاکم بر هر دوره و نیز موضوعی که بهار از خویش نشان داده بود، بنا می نهیم. و سپس به بررسی آثاری که وی در هر دوره خلق کرده است

پس از جمع آوری اسناد زندگی ملک الشعراء بهار و درج آنها در مجلد دوم اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، نکات تازه ای از زندگی سیاسی و علمی بهار روشن شد. این موضوع نگارنده را بدین فکر انداخت تا به جمع آوری اسناد و دستنوشته های بهار، همچنان ادامه دهد تا میزانی که مواد لازم جهت تدوین رساله ای مستقل درباره حیات سیاسی بهار و چگونگی خلق آثار او است فراهم آید. این امر خوشبختانه ادامه یافته و تاکنون اسناد و مدارک جدیدی از بهار به دست آمده است که با این روند، پیش بینی می شود تدوین این رساله بزودی آغاز گردد. اما آنچه در پی می آید، طرخی است کلی از موضوعی که نگارنده در نظر دارد به تحقیق و تدوین آن بپردازد.

* * *

در میان شاعران معاصر ایران، ملک الشعراء بهار نه تنها به لحاظ پایه و مایه شعری از جایگاهی ممتاز برخوردار است، بلکه از نظر حیات

سیاسی و ادبی نیز از اقران خود متمایز است. میزان ارزش آثار بهار در زمینه های شعر، نثر، تحقیقات، تصحیحات، تألیفات و نیز اندیشه سیاسی، به حدی است که درباره هر کدام تاکنون دهها اثر در قالب مقاله، کتاب و رساله نوشته شده است. آثاری که هر یک، از زوایای خاصی به او و نوشته هایش پرداخته است.

بهار به همراه برادرانش محمد ملک زاده و موسی بهار



خود رانیمه کاره گذاشت. علت این امر، ظاهرأ تشکیل کمیته حزب دمکرات خراسان و انتشار روزنامه «نوبهار» به عنوان ارگان رسمی این حزب بود که بعدها از طرف بهار منتشر شد.^۴

با انتشار روزنامه نوبهار، حیات سیاسی - اجتماعی بهار وارد مرحله جدیدی شد و از این زمان او را تقریباً در صف اول تمامی جریانات سیاسی می‌بینیم که با درج مقالاتی در «نوبهار»، پیام خود را به مردم می‌رساند. نخستین شماره روزنامه نوبهار در

شوال ۱۳۲۸ ق/بهار ۱۲۸۸، منتشر شد. «مطالب روزنامه، پیرامون اوضاع روز به خصوص درباره خطر بازگشت ارتجاع و خطر مداخله روسیه تزاری در امور ایران و سایر مسایل سیاسی بود».^۵

این امر سبب شد که روزنامه نوبهار پس از هشتاد شماره، در شوال ۱۳۲۹ ق، با فشار دولت روس و به وسیله دولت مرکزی به تعطیلی کشانده شود. این موضوع نتوانست بهار را تسلیم شرایط کند، زیرا پس از دو ماه روزنامه خود را با نام جدید یعنی «تازه بهار» در پنجم ذیحجه ۱۳۲۹، منتشر ساخت. این روزنامه نیز پس از انتشار ۹ شماره، با التیاماتوم دولت روسیه «در محاق توقیف شدید فرو رفت» و خود بهار با جمعی دیگر از دمکراتها به تهران تبعید شد. این تبعید نزدیک به هشت ماه به درازا کشید و بهار در اواخر سال ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و دو سال بعد یعنی در صفر ۱۳۳۲ ق/۱۲۹۲ ش، بار دیگر روزنامه نوبهار را در مشهد منتشر ساخت.

انتشار نوبهار تا دهم ذیقعد ۱۳۳۲ (یعنی پس از ۷۷ شماره) ادامه یافت. ولی با راهیابی بهار به عنوان نماینده مردم در گز و کلات به مجلس سوم در محرم ۱۳۳۳ ق/آذر ۱۲۹۳ ش، روزنامه نوبهار نیز تعطیل شد.^۶

آثاری که بهار در دوره اول زندگی خود (۱۲۹۳ - ۱۲۸۰ ش) نگاشت، مجموعاً در روزنامه‌های «خراسان» «نوبهار» و «تازه بهار» منتشر شد. آنچه که وی در روزنامه «خراسان» منتشر نمود، اشعاری بود در ضدیت با استبداد مانند قصیده «آئینه عبرت»، «هرج و مرج» و... که در دیوان وی مندرج است. اما دیگر آثار او، شامل مقالاتی است که در روزنامه‌های «نوبهار» و «تازه بهار» چاپ شده است. او در

دوره اول (۱۲۸۰-۱۲۹۳ ش)

دوره اول زندگی بهار را از زمانی آغاز می‌کنیم که وی تحصیلات مقدماتی خود را نزد کسانی مانند پدرش، ملک الشعراء صبوری (۱۲۵۹-۱۳۲۲ ق)، آموخته بود و اینک در سن پانزده سالگی (۱۲۸۰ ش) به سر می‌برد. در این زمان بنابر تقاضای ملک

الشعراء صبوری از نصیر الملک شیرازی، تولیت آستان قدس رضوی، بهار ملقب به «ثقة الكتاب کتابخانه آستان قدس» می‌گردد^۱، دو سال پس از این ماجرا، ملک الشعراء صبوری در گذشت. بهار در این زمان، نامه‌ای خطاب به تولیت آستان قدس که اینک بر عهده حسین الحسینی بود؛ نوشت و از وی تقاضا کرد تا لقب پدرش یعنی «ملک الشعراء آستان قدس» به وی تفویض گردد. این امر سرانجام با موافقت مظفرالدین شاه میسر شد و بهار از سال ۱۲۸۲ ش، به این لقب دست یافت.^۲

دو سال پس از آن، مشروطیت ایران با

فرمان مظفرالدین شاه رسمیت یافت

(۱۲۸۵ ش/۱۳۲۴ ق) ولی با مرگ وی که در

همین سال روی داد، پسرش محمد علیشاه بر حکومت

ایران دست یافت. او از همان ابتدا به مخالفت با مشروطه خواهان برخاست که نقطه اوج آن، استقرار استبداد صغیر در ایران بود (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ - اول رجب ۱۳۲۷ ق). این جریانات یعنی مشروطیت و سپس مخالفت محمد علیشاه با آن، از مهمترین عواملی بود که فعالیت‌های سیاسی بهار را سبب شد. وی دقیقاً از همین دوران، پایه عرصه فعالیت‌های سیاسی گذاشت، عرصه‌ای که تا پایان عمرش در آن زیست و تنفس کرد.

او در اولین گام خود، به انجمن «سعادت» که مجمع آزادیخواهان خراسان بود، روی آورد و به سرودن اشعاری در مذمت استبداد پرداخت و آنها را با نام جعلی «رئیس الطلاب» در روزنامه «خراسان» درج نمود.^۳ پس از سقوط محمد علیشاه و پایان دوره استبداد صغیر، بهار در رمضان ۱۳۲۷ ق از رئیس معارف خراسان، تقاضای انتشار روزنامه‌ای کرد به نام «احتیاج» ولی بعد درخواست



این دوره تقریباً ۳۴ مقاله نگاشته است.

از مجموع ۳۴ مقاله بهار که از این دوره در دست است، ۳۱ مقاله مربوط به مسایل سیاسی و اجتماعی مانند: مجلس، استبداد، فرقی سیاسی، ... است و تنها در ۳ مقاله زیر به مسایل تاریخی و ادبی پرداخته است:

● «ترکستان جدید و قدیم»، نوبهار، ۲ (شعبان ۱۳۳۲): ۵۲/ ۲-۱

● «تنها اثری از ایران قدیم (یا روز نوروز)»، نوبهار، ۲ (جمادی الاول ۱۳۳۳): ۱/۱۸۲

● «مرگ جرجی زیدان»، نوبهار، ۲ (شوال ۱۳۳۲): ۱/۷۲

روسیه در نوبهار درج نمود و به دنبال آن، همراه سایر نمایندگان مجلس، به قم مهاجرت کرد. (ذیحجه ۱۳۳۳ ق). بهار در این دوره اولین شماره روزنامه بهار را در تهران منتشر ساخته بود (محرم ۱۳۳۳ ق/قوس ۱۲۹۳ ش) ولی پس از ۲۴۲ شماره پس از مهاجرت به قم در محرم ۱۳۳۴ آن را تعطیل کرد.

بهار پس از بازگشت از قم، به اشاره دولت روس و توسط محمد ولی خان تنکابنی، به تبعید بجنورد فرستاده شد (رجب ۱۳۳۴ ق). ولی پس از گذشت شش ماه به تهران بازگشت^۸. حضور بهار در بجنورد و آشنایی وی با مردم این شهر سبب شد تا در دوره بعد به نمایندگی از طرف آنها به مجلس چهارم راه یابد.



از راست: رشید یاسمی، رضازاده شفق، بهار و نصرالله فلسفی



از راست: سعید نفیسی، محمد اسحاق، علی اکبر دهخدا و بهار

او در این زمان روزنامه نوبهار را بار دیگر منتشر ساخت (شعبان ۱۳۳۵ ق/خرداد ۱۲۹۶). ولی در مرداد همین سال دچار توقیف دیگری شد که وی این بار، روزنامه «زبان آزاد» را به جای آن منتشر ساخت. در آبان ۱۲۹۶، به دستور احمد شاه، روزنامه نوبهار از توقیف خارج شد که انتشار آن تا ۲۲ حوت ۱۲۹۹ یعنی تا زمان کودتای رضاخان ادامه یافت.

در این دوره، دو رویداد دیگر در زندگی بهار روی داد. یکی انتشار مجله ادبی دانشکده در اردیبهشت ۱۲۹۷ بود که انتشار آن پا به پای نوبهار تا اردیبهشت ۱۲۹۸ ادامه داشت^۹ و دیگر ازدواج او در سال ۱۲۹۸ بود.

بهار در دوره دوم زندگی خود، عمدتاً با نشریاتی مانند: نوبهار، زبان آزاد، ایران و دانشکده، همکاری می کرد که تقریباً تمام آثار قلمی او در این نشریات منتشر شد. او در این دوره تقریباً ۹۱ اثر از خود به یادگار گذاشته است که فقط ۱۵ مورد آن به مباحث ادبی و

این موضوع نشان می دهد که التهابات سیاسی در این دوره به حدی است که بهار کمتر توانسته به تحقیقی جدی در زمینه های ادبی و تاریخی دست یازد و بیشترین نوشته های او بنابر مقتضیات سیاسی روز نگاشته شده است.

دوره دوم (۱۲۹۳-۱۲۹۹ ش)

دوره دوم زندگی بهار با حضور وی در مجلس سوم (آذر ۱۲۹۳ ش) به عنوان نماینده مردم در گز و کلات آغاز می شود. گفتنی است که اعتبارنامه وی به مدت شش ماه مورد تصویب قرار نگرفت «زیرا برخی از مقالاتش گریبان او را گرفت و اعتدالیون و حتی بعضی از سران دمکرات علناً و مخفیانه بر علیه او می کوشیدند تا سرانجام بعد از شش ماه اعتبار نامه اش به تصویب رسید»^۷. چند ماه پس از آن، قوای روس که در ایران به سر می برد، تهدیدات خود را از قزوین متوجه تهران کرد. از این رو بهار مقالات شدیدالحنی علیه

تاریخی مربوط می‌شود؛ مقالاتی مانند:

• «الفاظ و معانی در شعر قدیم»، دانشکده، (حوت ۱۲۹۷):

۵۱۱-۵۱۴/۱۰

• «انتقاد بر انتقاد عباس اقبال آشتیانی»، دانشکده، (ثور

۱۲۹۸): ۵۸۸/۱۱-۱۲.

• «تحقیق ادبی ریشه‌زبان

فارسی»، دانشکده، (ثور

۱۲۹۸): ۵۷۰/۱۱-۱۲.

۵۶۷.

دوره سوم (۱۳۰۸-

۱۳۰۰)

در این دوره از زندگی بهار را در شرايطی آغاز می‌کنیم که او در پی کودتای اسفند ۱۲۹۹، به دستور سید ضیاءالدین طباطبائی - رئیس الوزراء کودتا - به مدت سه ماه تحت نظر در شمیران به سر می‌برد. اما در تیرماه ۱۳۰۰، به عنوان نماینده مردم بجنورد به مجلس چهارم راه یافت. یک سال پس از آن، بهار به فکر انتشار «نوبهار» افتاد ولی این بار، نشریه خود را نه به صورت روزانه بلکه به شکل هفتگی در مهر ۱۳۰۱ منتشر ساخت^{۱۰} «نوبهار هفتگی» علاوه بر فاصله زمانی، اختلاف دیگری با «نوبهار روزانه» داشت و آن تفاوت در محتویات نشریه بود. بهار این بار نه تنها از بار سیاسی مقالات این نشریه کاسته بود، بلکه با درج نوشته‌های کسانی مانند عباس اقبال آشتیانی

و رشید یاسمی، مجله را بیشتر به یک نشریه ادبی و فرهنگی نزدیک ساخته بود. هر چند که انتشار «نوبهار هفتگی» یک سال بعد یعنی در آبان ۱۳۰۲ متوقف شد^{۱۱}.

مجلس پنجم در بهمن ۱۳۰۲ گشایش یافت، بهار این بار توانست به عنوان نماینده مردم کاشمر به مجلس راه یابد^{۱۲}.

مهمترین حادثه‌ای که در این دوره از مجلس روی داد، رسمیت یافتن حکومت رضا شاه بود، که بهار و سید حسین مدرس به همراه جمعی دیگر از نمایندگان به مخالفت سرسختانه با آن پرداختند. این سرسختی منجر به ترور نافر جام بهار شد که نتیجه آن، کشته شدن شخص دیگری به نام واعظ قزوینی بود که شباهت بسیاری با بهار داشت^{۱۳}.

از راست: رهی معیری، غلام محمدخان، بهار



بهار و فروزانفر در دانشسرای عالی همراه با دانشجویان

مجلس ششم در تیر ۱۳۰۵، با نطق رضا شاه افتتاح شد. در حالی که بهار به نمایندگی از مردم تهران در آن جا حضور داشت. در این دوره به واسطه سلطه کامل رضا شاه بر تمامی نهادهای حکومتی ایران، بهار نتوانست آن چنان که بایست به فعالیتهای سیاسی دست یازد. با اتمام این دوره از مجلس در مرداد ۱۳۰۷، او از تمامی فعالیتهای سیاسی کنار کشید و به فعالیتهای فرهنگی روی آورد و به عنوان اولین گام، در دانشسرای عالی همراه کسانی مانند بدیع الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی و صادق رضازاده شفق، به تدریس مشغول شد. هر چند که پس از پایان دوره ششم و رفع مصونیت سیاسی نمایندگان مخالف، تسویه حسابهای شخصی از طرف رضا شاه شروع شد. از آن جمله، تبعید سید حسن مدرس به خواف، اخراج بهار از دانشسرای عالی و سپس دستگیری و حبس او در ماههای آغازین سال ۱۳۰۸ بود که به مدت یک سال ادامه یافت^{۱۴}.

این دوره ۹ ساله از زندگی بهار با ادوار پیشین زندگی او به کلی متفاوت است. در این زمان نه از روزنامه و نشریات گوناگون برای ابراز عقاید سیاسی خبری هست و نه از حاکمان قاجار و فضای سیاسی بی در و پیکر آنها. بلکه در این دوره، شخصی مبسوط الید مانند رضا شاه بر سر کار بود که هرگونه صدای مخالفی را در نطفه

خفه می‌کرد. از این روست که در این مقطع به لحاظ موضوعی، چرخشی ناگهانی در آثار بهار دیده می‌شود و او از نوشتن مطالب سیاسی و تحلیلهای اجتماعی، با ذکاوت خاصی به سوی نگارش مقالات و مطالب فرهنگی و ادبی روی می‌آورد. آثار وی در این دوره در نشریاتی مانند نوبهار، نوبهار هفتگی و ایران چاپ می‌شد. از مجموع تقریباً ۴۱ مقاله‌ای که بهار در این دوره نگاشته، ۱۸ مقاله مربوط به مسایل سیاسی و اجتماعی مانند: آزادی عقیده، اجتماعیون و اشتراکیون، ... است. با این تفاوت که از شدت و تندى آن نسبت به دوره‌های قبل کاسته شده و بیشتر از مضامینی علمی برخوردار بود مانند: تماشای موجودات، ملت و مذهب، ... و ۲۳ مقاله هم مربوط به مباحث تاریخی و ادبی است که به دلیل محدودیتهای سیاسی بهار، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. بعضی از این مقالات عبارتند از:

- «شعر پهلوی»، طوفان هفتگی، ۱ (۱۳۰۶): ۲/۲-۱.
- «خاقانی»، طوفان هفتگی، ۱ (تیر ۱۳۰۷): ۳/۱۸-۱.
- «زبان سعدی»، نوبهار هفتگی، ۱ (میزان ۱۳۰۱): ۲/۱۷.
- «صدرالدین ربیعی»، ارمغان، ۶ (۱۳۰۴): ۲۵/۱.

دوره چهارم (۱۳۰۹-۱۳۲۰)

دوره چهارم زندگی بهار در شرایطی آغاز می‌شود که او در آغاز سال ۱۳۰۹ از نخستین حبس خود رهایی یافته و این در شرایطی است که دیگر نه از روزنامه‌هایی چون نوبهار خبری هست و نه در مجلس جایی برای او. این چنین است که بهار با آن همه شور و هیجان سیاسی، جز پناه بردن به تحقیق، تصحیح و تألیف، راهی در پیش روی خود نمی‌بیند. از این روست که متوجه وزارت معارف می‌شود و پیشنهاد تحقیق و تصحیح متون کهن فارسی مانند: مجمل التواریخ و القصص، ترجمه تاریخ طبری و تاریخ سیستان را به آنها می‌دهد و یا به نوشتن تقریظ بر آثار دوستانش مشغول می‌شود و یا در حلاء نشریات سیاسی، به نگاشتن مقالات تحقیقی برای نشریات ادبی می‌پردازد.

در فروردین ۱۳۱۱، قراردادی میان وزارت معارف و بهار درباره تصحیح مجمل التواریخ و ترجمه تاریخ طبری منعقد شد و بهار متعهد گشت تا اسفند همان سال کتابهای مذکور را پس از تحقیق و تصحیح به وزارت معارف تحویل دهد. این امر سبب تشویق بهار شد تا دیوان خود را نیز به طبع برساند اما در نیمه راه، دستگاه سانسور رضا شاه، چاپ آن را متوقف ساخت.^{۱۵}

در پایان همین سال، بهار پیش از انجام تعهدات خود در قبال

وزارت معارف، بار دیگر گرفتار زندان شد و پس از پنج ماه حبس در تهران، روانه اصفهان گشت تا به حالت تبعید در آن شهر به سر برد. بهار پس از گذشت یک سال، به پایمردی دکتر لقمان الدوله ادهم و محمد علی فروغی رئیس الوزراء و با تلاشهای پیگیر همسرش، در آستانه برگزاری جشن هزاره فردوسی، از تبعید رهایی یافت و در فروردین ۱۳۱۳ به تهران مراجعت کرد.^{۱۶}

در مهر ماه همین سال جشن هزاره فردوسی برگزار شد و بهار نیز فعالانه در آن شرکت کرد و در خرداد سال بعد به عضویت پیوسته فرهنگستان ایران درآمد. و در کمیسیونهای «فرهنگ فارسی»، «دستور زبان» و «لغات جغرافیایی» مشغول به کار شد. بهار تدریس خود را از همین سال در دانشسرای عالی مجدداً شروع کرد و عهده‌دار تدریس موادی مانند: «زبان و ادبیات ایران پیش از اسلام»، «سبک شناسی»، «دستور زبان فارسی» و «شعر شناسی» شد که این کار را به عنوان مهمترین فعالیت علمی خود، تا پایان این دوره یعنی خروج رضا شاه از ایران (شهریور ۱۳۲۰) ادامه داد.^{۱۷}

این دوره دوازده ساله از زندگی بهار به لحاظ خلق آثار بی‌شمار در زمینه‌های ادبی و تاریخی، از درخشانترین سالهای زندگی علمی او به شمار می‌رود، چرا که شرایط سیاسی در این دوره به گونه‌ای بود که رضا شاه (حاکم مطلق العنان ایران) هرگونه اندیشه سیاسی و اجتماعی را در نطفه خفه کرده و فعالیت‌هایی این چنین را منحصر به تمجید خود یا تحکیم پایه‌های حکومت پهلوی ساخته بود. که تشکیل «سازمان پرورش افکار» از نمونه‌های بارز این گونه فعالیت‌های فرهنگی است که تمامی ادیبان و اندیشمندان را ملزم به حضور و فعالیت در آن سازمان کرده بود.^{۱۸} در چنین شرایط و دوره‌ای که بهار دوبار حبس و تبعید را تجربه کرده بود و چندان علاقه‌ای به شرکت در سازمانهای آنچنانی از خود نشان نمی‌داد، راهی جز این برای او باقی نمانده بود که به تحقیقات ادبی روی آورد. از این روست که در این دوره علاوه بر تصحیح، تألیف و ترجمه، به همکاری با مجلات فرهنگی و ادبی چون باختر (زمانی که در تبعید اصفهان بود)، ارمغان، مهر، آرمان، نامه تمدن، تعلیم و تربیت، مهر ایران و آموزش و پرورش، دست می‌یازد. آثار بهار در این دوره شامل مقالات و کتابهایی است که همگی در زمینه‌های ادبی و تاریخی می‌باشد و (بر خلاف دوره‌های قبل) تنها یک یا دو مقاله به مسایل اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود. آثار بهار در این دوره، شامل: تقریباً ۱۱ کتاب در زمینه‌های تصحیح، تألیف و ترجمه، ۷ مقدمه بر کتابهای دیگران و ۴۶ مقاله است. از میان کتابها می‌توان از آثار زیر نام برد:

- سبک شناسی نثر یا تاریخ تطور نثر فارسی (هر چند این کتاب

در سال ۱۳۲۱ در تهران چاپ شد ولی اصل آن، تقریرات بهار در دانشگاه بود که در دوره چهارم زندگی وی صورت پذیرفته بود.

● احوال فردوسی، اصفهان، ۱۳۱۳.

● یادگار زریران، تهران، ۱۳۱۲.

● تاریخ بلعمی (تصحیح آن در این دوره به اتمام رسید، ولی چاپ آن پس از مرگ بهار در سال ۱۳۴۱ به کوشش محمد پروین گنابادی، در تهران صورت گرفت).

● تاریخ سیستان، تهران، (۱۳۱۴): ۴۸۶.

● جوامع الحکایات (تصحیح آن در این دوره به اتمام رسید هر چند که چاپ آن در سال ۱۳۲۴ در تهران انجام شد).

● مجمل التواریخ و القصص، تهران، (۱۳۱۸): ۵۶۷ص.

و از مقالات او نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● «التنبیه علی حروف التصحیف»، آزمان، (بهمن ۱۳۰۹): ۱۳/

۱۰۱-۱۱۰

● «رسالة حدایق الحدائق»، آزمان، (دی ۱۳۰۹): ۴۴/۲ و ۵۰

● «ترجمة تاریخ طبری»، نامه تمدن، ۱ (۱۳۱۰): ۵-۶/...

● «گزارش شترنگ»، مهر، ۱ (۱۳۱۲): ۵۳۷/۷-۵۴۴

● «کتاب مجمل التواریخ و القصص»، مهر، ۶ (۱۳۱۷): ۱۵/

۳۸۸-۳۹۸

دوره پنجم (۱۳۲۱-۱۳۳۰)

این دوره در شرایطی آغاز می‌شود که رضاشاه با فشار دولتهای خارجی، ایران را ترک کرده و فرزند بی‌تجربه‌اش برمسند قدرت قرار گرفته است. خروج رضاشاه از ایران، زمینه‌ای مساعد فراهم ساخت تا بغض نهفته در سینه مردم که دوده فرصت بروز نیافته بود، ناگهان

بترکد و به شکل مطبوعات متنوع سیاسی و احزاب گوناگون در سراسر ایران خودنمایی کند.^{۱۹}

در این شرایط، بهار خسته از چهل سال فعالیت سیاسی و علمی، در حالی که قدم به دهه پایانی عمرش گذاشته بود، همسوبا جریانات روز و همنفس با جو حاکم بر جامعه، در صدد نشر مجدد نوبهار بر می‌آید و در روز سوم اسفند ۱۳۲۱،

نخستین شماره آن را منتشر می‌سازد. او در سر مقاله اولین شماره این دوره، چنین نوشت: «سوم اسفند ۱۲۹۹، آخرین روزی بود که من از اداره کردن روزنامه ایران یومیه صرف نظر کردم و اینک باز همان روز سوم اسفند است که نخستین شماره یک روزنامه یومیه ملی که نامش نوبهار است. منتشر می‌نمایم. از اسفند ۱۲۹۹ تا اسفند ۱۳۲۱ درست ۲۲ سال می‌گذرد. من آن روز ۳۵ سال داشتم و جوان بودم و هزاران آرزو در دل می‌پختم و امروز ۵۷ سال دارم و یک آرزو زیادت‌تر در دل نمی‌پرزم و آن یک محاکمه تاریخی است». این روزنامه پس از انتشار ۱۰۲ شماره در آذر ۱۳۲۲ برای همیشه تعطیل شد.^{۲۰} و بهار بار دیگر به تدریس در دانشگاه و تألیف کتابهایی که طرح آنها را در ذهن می‌پروراند مانسد: «سبک شناسی نظم» و «فرهنگ فارسی» روی آورد. اما در اسفند ۱۳۲۴ پیشنهادی به وی رسید، که او را مدتی اندک، از تألیف و تدریس دور ساخت. و آن پیشنهاد قوام السلطنه، نخست وزیر وقت بود که بهار را جهت تصدی پست وزارت فرهنگ، به کابینه خود دعوت کرد. بهار این پیشنهاد را پذیرفت ولی چند ماهی بیشتر در کابینه دوام نیاورد و به عنوان اعتراض به حضور چند وزیر توده‌ای، از وزارت فرهنگ دست کشید.^{۲۱} در این زمان بیماری سل که در وجود بهار رخنه کرده بود، کم‌کم خود را آشکار می‌کرد و او را فرسوده‌تر و رنجورتر می‌ساخت. در این شرایط، بهار در تیر ۱۳۲۶ به عنوان نماینده مردم تهران، روانه مجلس پانزدهم شد، ولی با اوج‌گیری بیماری‌اش چند ماهی بیشتر در مجلس دوام نیاورد و جهت معالجه راهی سوئیس شد.^{۲۲} هر چند که پس از یک سال بدون نتیجه به تهران بازگشت و بار دیگر تدریس خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد.

بهار در سال ۱۳۲۹ یعنی در سال پایانی عمر خود، به آخرین

فعالیت سیاسی‌اش یعنی تشکیل «جمعیت ایرانی هواداران صلح» با هدف طرفداری و حمایت از صلح و تحریم جنگ، دست زد. اما با شدت گرفتن بیماری‌اش، قادر به شرکت در جلسات این جمعیت نمی‌بود. تا جایی که همین بیماری، او را در اول اردیبهشت ۱۳۳۰ از پای در آورد. و بدین ترتیب پرونده زندگی مردی که نیم قرن در بطن مهمترین تحولات سیاسی ایران



بهار در بستر بیماری، فروردین ۱۳۳۰

حضوری فعال داشت و مجموعه‌ای بی نظیر از آثار ادبی و تاریخی پدید آورده بود، بسته شد.

بهار در دوره پنجم زندگی خود، با نشریاتی مانند: نوبهار، مهر، یغما، آینده،... همکاری می کرد. نگاهی به سالشمار آثار او نشان می دهد که وی عمده آثار سیاسی خود را در این دوره، به بیان آلام و دردهای ناشی از دیکتاتوری بیست ساله رضاشاه و ذکر حقایق نهفته در آن دوره، اختصاص داده که بیشتر آنها را در دو سال اول پس از خروج رضاشاه یعنی در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ پدید آورده بود. حقایقی پیرامون سیدحسن مدرس، سید ضیاءالدین طباطبائی، محمدعلی فروغی و احزاب سیاسی. بهار در سالهای بعد (۱۳۲۳-۱۳۲۹)، عمدتاً به دلایل بیماری، سفر استعلاجی به سوئیس و یا شرکت در جلسات کابینه قوام، فرصت چندانی برای خلق آثار دیگر نداشته است. آثار او در این دوره، تقریباً شامل ۵۱ مقاله، سه مقدمه و دو کتاب به شرح زیر است:

● سبک شناسی نظم یا تاریخ منظوم شعر فارسی (این کتاب در

سال ۱۳۲۲ تألیف شده، ولی چاپ آن پس از مرگ بهار در سال ۱۳۴۴ در مشهد بود).

● دستور پنج استاد، تهران، (۱۳۲۹): ۱/۵۰۱؛ ۱۳۹/۲ (این کتاب با همکاری بدیع الزمان فروزانفر، عبدالعظیم قریب، جلال الدین همائی و غلامرضا رشید یاسمی نوشته شده است).

* * *

از مجموع آنچه گفته شد، این نتیجه قابل حصول است که آثار بهار به لحاظ کمی و موضوعی، تابعی از متغیرات سیاسی روز بوده است. بدین معنا که هرگاه شرایط سیاسی، فشار و سنگینی خود را از دست می داد، تعداد آثار بهار نه تنها افزایش پیدا می کرد بلکه از نظر موضوعی نیز به سوی تحلیلهای سیاسی اجتماعی، پیش می رفت. مانند دوره های اول و دوم، و بالعکس هرگاه به لحاظ سیاسی، جامعه، شرایط بسته ای پیدا می کرد؛ (مانند دوره های سوم و چهارم) آثار ادبی و تاریخی بهار جلوه گر می شد و از تعداد و بار سیاسی مقالات وی کاسته می شد.

- مآخذ:
۱. اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران دفتر دوم (ملک الشعراء بهار)، گردآوری و پژوهش: علی میرانصاری، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۵-۲۹.
 ۲. همانجا، ۳۰/۲-۳۶.
 ۳. دیوان ملک الشعراء بهار، تهران، (۱۳۳۵): ۱/ ک-ل.
 ۴. اسنادی از ... ۳۷/۲-۴۳، دیوان ... ۱/ل.
 ۵. دیوان ... ۱/ل.
 ۶. «نوبهار»، بهار و ادب فارسی، محمد گلین، تهران، (۱۳۵۵): ۴۴۰/۲.
 ۷. دیوان، ۱۰/س؛ اسناد، ۴۷/۲-۵۳.
 ۸. تاریخ مختصر احزاب، ۱۴/۱-۲۲؛ اسناد، ۵۵/۲-۶۶.
 ۹. «نوبهار»، ۴۴۴/۲-۴۴۶.
 ۱۰. اسناد، ۹۹/۲-۱۰۲.
 ۱۱. «نوبهار»، ۴۴۷/۲.
 ۱۲. اسناد، ۹۸/۲.
 ۱۳. همانجا، ۱۰۳/۲.
 ۱۴. همانجا، ۱۲۷/۲-۱۳۰.
 ۱۵. همانجا، ۱۳۳/۲-۱۳۸؛ بهار و ادب فارسی، ۱/ده.
 ۱۶. اسناد، ۱۴۳/۲-۱۷۴.
 ۱۷. همانجا، ۱۷۶/۲، ۱۸۴، ۱۸۵.
 ۱۸. درباره این سازمان، نگاه کنید به: فرهنگ ستیزی، محمود دلفانی، تهران، ۱۳۷۶.
 ۱۹. در این باره نگاه کنید به دو کتاب زیر:
 - اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)، بهروز طیرانی، تهران، ۱۳۷۶.
 - اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)، محسن روستائی، غلامرضا سلامی، تهران، ۱۳۷۷.
 ۲۰. «نوبهار»، ۴۴۷/۲-۴۴۸.
 ۲۱. اسناد، ۲۵۱/۲-۲۸۲.
 ۲۲. همانجا، ۲۸۸/۲-۳۰۶.
 ۲۳. همانجا، ۳۱۳/۲-۳۲۶.

